

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آداب انعقاد نطفه

حضرت استاد صدیق آملی حفظه الله

وبگاه سمت خدا

Www.samtekhoda.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

آداب انعقاد نطفه (تطهیر قوه مؤلده)

اکنون شایسته می دانیم جهت تطهیر قوه مؤلده و مصوره آدابی را جهت انعقاد صحیح نطفه که مستفاد از احادیث و روایات فراوانی است خدمت عزیزان بیان نماییم.

در ابتدا باید به عرض برسانیم که طبق فرمایشات حضرت استاد علامه در کتابها، ازدواج برای انشاء صورت انسانی است نه برای اطفاء شهوت حیوانی و لذا تمام افعال و اعمال مورد قصد قبل و بعد از ازدواج باید به گونه ای باشد که بدین مقصود و غایت منتهی شود. زیرا تمامی کیفیات نفسانی و مزاجی و احوال ظاهر و باطن والدین در کیفیت مزاجی و حصول استعداد نطفه انسانی دخیلند و اشخاص مطابق همان کیفیات، دارای اخلاق و احوال گوناگون می شوند، چنان که دارای اشخاص گوناگون اند. لذا پدر و مادر باید بسیار مراقب اعمال و نیات خود باشند که همه آنها در نحوه تکون صورت انسانی دخیلی بسزا دارند. پس در ازدواج حرف اطفاء شهوت و زناشویی مطرح نیست بلکه زهدان مادر عزیز کارخانه آدم سازی است و این صنع الهی باید به بهترین صورت پاک نگاهداشته شود.

ای عزیز! روایات، تفسیر بطون آیات قرآنی اند. باید پیش از ازدواج به آداب و احکام جوامع روایی از قبیل بحار الانوار و وافی و وسائل الشیعه و کافی و مانند آنها آشنا و آگاه بوده باشی. حضرت مولای تمام صنایع آدمیان از بری و بحری و فضایی را دستورات و « مکرّم در شرح فص فاطمیه می فرماید آدابی است که دین حفظ و بقاء و دوام آنها اند، چنان که اگر هر یک از آنها در کار خود بقدر یک میکرون از دین و آیینش به در رود و به خطا و ناروا حرکت نماید در همان نخستین بار خطا و ناروایی تباه می شود و نابود می گردد، مثلاً هواپیما از فضا سقوط می کند و کشتی در دریا غرق می شود، و اتومبیل دچار حوادث گوناگون می گردد، و آن چرخ خیاطی خراب می شود، و آن ساعت دست تو تباه می گردد و از کارش باز می ماند و هکذا صنایع بی شمار دیگر؛ و این همه صنایع گوناگون ساخته شخص جناب انسان است که برای بهبودی و درستی هر یک از آنها دستورالعملی در کنارش نهاده است؛ خدای سبحان فرموده است: (وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ و مَا تَعْمَلُونَ) یعنی خداوند شما را و همه ساخته های شما را آفریده است چه این که نطفه ها در تحت تدبیر ملکوت به جایی رسیده اند که عامل این همه صنایع شگفت شده اند (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ)؛ انصاف بده آیا می شود صنایع شما را دین و آیین باشد و خود شما که مهمترین صنع الهی هستید و این همه صنایع شگفت گوناگون صنع شما است بی دین باشد (مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) ... بدان که احوال و اوضاع که در حصول مزاج نطفه انسانی که محل قابل نفس ناطقه و پذیرای آنست، به حصر و ضبط در

نمی آیند، زیرا تفاوت ازمنه و اختلاف آفاق و اوضاع کواکب و احوال والدین و کیفیت اطعمه و اشربه و هزاران هزار عوامل دیگر در نحوه کیفیت مزاج نطفه دخیل اند، و آن نطفه کذایی در چنان اوضاع و احوال مطابق طبیعت و جبلت خود منعقد می شود و به وفق آن، قابلیت گرفتن عطایا و هبات باری « تعالی پیدا می کند خلاصه این که خلق و خوی والدین تمامی احوال آنان در اوقات و نیات آنها بلکه احوال نفس اوقات

در حال انعقاد نطفه و غذای مادر در زمان حمل چون دیگر اوصاف روانی و جسمانی او همه در مزاج طفل تأثیری بسزا دارند، و حق سبحانه از مجرای وجود خودِ والدین نفخ روح می کند و روح از این مجاری رنگ می گیرد چون آب آسمان از وادیهها.

در دیوان حضرت مولی روحی فداه چنین آمده است:

ای خوش آن کودکی کز آغازش	طیب و طاهر است زهدانا
بعد از آن مهد ناز او باشد	همچو زهدان پاک دامانا
ز غذای حلال می نوشد	پاک و پاکیزه شیر پستانا
خوی مادر ز شیر پستانش	می نشیند به طفل آسانا
مادر است صغری و پدر کبری	خود نتیجه است طفل ایشانا
شرط انتاج این مقدمتین	اندرین امر هست ایمانا
رنگ گیرد از این مقدمتین	نفخ روح خدای خلقانا
یا که هر یک دمنده روح است	گفته بعضی از بزرگانا
دامن مادر است پرورده است	عیسی و موسی بن عمرانا
ز آمنه مادر و ز عبدالله	پدر است خاتم رسولانا

در این جا به ذکر ترجمه روایتی که جناب شیخ صدوق در حدیث اول مجلس هشتاد و چهار امالی خود نقل کرده تبرک می جوئیم.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِبِهِ عَلِي بن ابيطالب عَلَيْهِ السَّلَام چنین سفارش کرد و فرمود:

یا علی چون عروس را به خانه تو آرند وقتی نشست کفش او را بکن و پایش را بشوی و آبش را به در خانه ات بریز که چون چنین کنی خداوند از خانه ات هفتاد هزار رنگ فقر را ببرد و هفتاد هزار رنگ برکت در آن درآورد و هفتاد هزار رحمت بر تو فرو فرستد که بر سر عروس بگردد تا برکت آن به هر گوشه خانه ات برسد. و خداوند عروس را از جنون و خوره و پیسی امان دهد که به او رسند مادامی که در آن خانه است.

سپس فرمود: یا علی! عروس را در هفته نخستین از خوردن شیرها و سرکه و گشنیز (سبزی آزمنا) و سیب ترش بازدار، زیرا که زهدان از این چار، سرد و نازاینده گردد؛ و بوریا در گوشه خانه به از زن نازاینده است. اگر عروس بر سرکه خوردگی خون حیض بیند هیچ گاه به خوبی از آن پاک نگردد. و گشنیز آن خون را در درونش بشوراند و زایمان را بر وی دشوار گرداند. و سیب ترش آن را از آمدن باز بدارد و بیماری بر وی گردد.

سپس فرمود:

ای علی در هنگام جماع سخن مگو مبدا که فرزند گنگ و لال گردد.

و به عورت زن (در حین جماع) نگاه نکن که سبب نابینایی فرزند شود.

و با شهوت زن دیگری در خاطرت با زنت جماع مکن که فرزند مخنث آید.

و ایستاده با زنت جماع مکن که از کار خران است و اگر فرزندی آید در فراش، کمیز میزند (یعنی دچار شب ادراری) شود.

اول و میانه و آخر ماه مجامعت مکن که دیوانگی و خوره و گیجی به سوی فرزند شتابند.

بعد از ظهر جماع مکن که اگر فرزندی آورد قیچ (لوچ و دوبین) شود و شیطان به لوچ بودن انسان شاد است.

کسی که با زن خود در بستر، جنب است قرآن نخواند می ترسم آتشی از آسمان فرود آید و هر دو را بسوزاند.

جماع مکن جز آن که خودت دستمالی داشته باشی و زنت نیز پارچه دیگر که با یک پارچه خود را پاک مکنید که شهوت بر شهوت افتد و مایه دشمنی بین شما می شود و شما را به جدایی و طلاق می کشاند.

در شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی آید بسیار شرور گردد

در شب عید اضحی (قربان) جماع مکن که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت آید.

زیر درخت باردار جماع مکن که فرزند جلا و آدمکش و کدخدا آید.

در مقابل آفتاب و نور آن جماع مکن مگر آن که هر دو با روپوش باشند که اگر فرزندی آید دائماً در سختی و فقر باشد تا بمیرد.

میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی آید خونخوار گردد.

اگر زنت باردار شد بی وضو با او جماع مکن که فرزند کوردل و بخیل آید.

در نیمه شعبان جماع مکن که فرزندی شوم و با خالِ چهره آید.

دو روز به آخر ماه مانده با زنت جماع مکن که فرزندی گمرکچی و کمک کننده ظالم آید و جمعی از مردم بدست او هلاک شوند.

بر سر پشت بامها جماع مکن که فرزند منافق و ریاکار و بدعت گذار آید،

چون قصد سفر داری در شب آن جماع مکن که فرزند ولخرج آید. رسول خدا این آیه را خواند (سوره اسراء/ 30) به راستی مبدترین برادران شیاطین باشند.

چون در سفر رفتی تا سه شب جماع مکن که فرزند کمک کننده ظالم و ستمگر بر علیه تو شود.

در ساعت اول شب با زنت جماع مکن که اگر فرزندی آید، بسا باشد که جادوگر و دنیا طلب در آید.

ماه در محاق نباشد.

و با شکم سیر جماع نشود.

(و اما اوقات مناسب برای نکاح)

یا علی شب دوشنبه ملازم جماع باش که اگر فرزندی آید حافظ قرآن و راضی به قسمت خدا باشد.

اگر شب سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید پس از شهادت به شهادتین، شهادت روزی وی گردد و خداوند با مشرکان او را کیفر نکند و بوی دهانش خوش باشد و رحم دل و با سخاوت و پاک زبان از غیبت و دروغ و بهتان است.

اگر شب پنج شنبه جماع کنی و فرزندی آید حاکمی از حکام گردد یا عالمی از علماء.

در روز پنجشنبه ظهر هنگامی که آفتاب در وسط آسمان است اگر جماع شود فرزند به دنیا آید تا پیر شود شیطان به او نزدیک نگردد و با فهم باشد و در دین و دنیا سلامت روزیش گردد.

اگر در شب جمعه با زنت جماع کنی و فرزندی آید سخنور و گویا و زبان آور شود.

اگر در روز جمعه پس از عصر باشد و فرزندی آید معروف و مشهور و دانشمند گردد.

اگر شب جمعه بعد از عشاء باشد امید فرزندی می رود که از ابدال باشد ان شاء الله.

ای علی! سفارش مرا نگاهدار چنانچه من از جبرئیل نگاه داشتم.

بدان که جماع کردن در فرج زن در وقتی که حائض باشد یا با خون نفاس باشد حرام است که از رسول الله صلی الله علیه وآله روایت است فرزندی که از آن متولد شود مبتلا به خوره و پیسی گردد و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع کردن مکروه است. و نیز بعد از پاک شدن از حیض و پیش از غسل کردن بعضی جماع را حرام می دانند، و احوط اجتناب است و نیز وطی دبر زن مکروه است و بعضی آن را حرام می دانند. در حدیثی منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از جماع کردن زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه او را لعنت کنند.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمودند: از کلاغ سه خصلت را بیاموزید؛ اول جماع کردن پنهان را، دوم بامداد به طلب روزی رفتن را و سوم بسیار حذر کردن را.

در حدیث معتبر از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر، زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور می شوند.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که مکروه است جماع میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب.

علاوه بر توجه به زمان ، توجه به جهات نیز در گاه مجامعت مورد اهمیت بسیاری در روایات قرار گرفته است از آن جمله فرموده اند : زن و مرد در حین مواقعه رو به قبله یا پشت به قبله نباشند . حکمتش نیز آن است که توجه به هر جهتی را خاصیتی است به حسب نسبت علوی ، چنانچه فرموده اند: توجه به جانب قطب جنوب و ستاره سهیل به جهت سهولت ولادت بسیار مؤثر است و به تجربه معلوم شده که اکثر حیوانات عند التولید به آن جانب متوجه می شوند و نیز فرموده اند: توجه به قطب شمال و دیدن آن و بنات النعش ، صحت و تقویت چشم را مفید است. از این نکته علیا به سرّ در توجه به کعبه در هنگام صلوّه برس که توجه مذکور موجب توجه نفس به عالم قدس می گردد . فافهم!

در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتی با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشد، جماع نکند.

در بحار (جلد 62 صفحه 322) روایتی است که امام فرمود : من اراد الدخول الحمام للنوره فليجتنب الجماع قبل ذلك باثني عشر ساعة و هو يوم تمام یعنی هر کسی که اراده وارد شدن به حمام کرد تا نوره بمالد سزاوار است که قبل از آن تا 12 ساعت یعنی یک روز تمام از جماع کردن پرهیز نماید.

و نیز گویند: جماع کردن از پهلو باد لقوه می آورد و جماع در حمام موجب نزول آب سیاه چشم می شود.

در خزائن نراقی آمده که راه برو بعد از غذا خوردن ولو یک قدم و بخواب بعد از حمام کردن ولو یک لحظه و بول کن بعد از جماع ولو یک قطره.

اگر در حالت جماع زن بالا قرار گیرد بسیار بد است زیرا ممکن است ذگر و مثانه از فشار فواره کردن آب شهوت زخمی شوند و دور نیست که چیزی از طرف آلت زن به آلت مرد راه یابد.

کسی که نیاز به مستراح رفتن دارد و باید خود را از شرّ ادرار و مدفوع رهایی دهد، نباید قبل از تخلیه جماع کند.

در حال خسته شدن از ورزش یا هر حرکتی خسته کننده جماع خوب نیست.

در حالی که انسان با واکنش روانی روبرو است مثلاً ناراحت و یا عصبانی است جماع کردن خوب نیست.

انزالی که از ناحیه به زن چسبیدن یا بر پوست زن مالیدن حاصل آید نیز بی ضرر نیست.

جماع خوب و اصولی آن است که آرزوی جماع به نهایت برسد. یعنی زن و مرد زمانی جماع کنند که این میل در ایشان زیاد شده باشد نه این که از نگاه کردن به زن یا فکر و خیال جماع، خارش و سوزشی در آلت تناسلی مرد ایجاد شده و او را به جماع برانگیزاند، بلکه باید به گونه ای باشد که زیاد جمع شدن آب پشت بر انسان فشار آورده و او را به جماع کردن وادار کند.

وقتی که انسان بسیار سیر است و معده پر از غذا است جماع خوب نیست زیرا جماع در این حال مانع هضم شدن غذا می شود.

شیخ رئیس بوعلی سینا در قانون می فرماید: اگر کسی با شکم سیر و پر از غذا می خواهد جماع کند حداقل قبل از جماع مدتی حرکت کند که خوراک تا اندازه ای در معده جای گیر شود و به حالت شناور در نیاید، بعد از جماع کردن هم تا می تواند زود بخوابد و زیاد بخوابد.

همچنین کسی که گرسنه است و معده اش خالی از خوراک است باز نباید جماع کند که جماع به حالت گرسنگی بیشتر از جماع با شکم سیری زیان دارد زیرا جماع کردن با شکم گرسنه موجب از بین رفتن گرمای طبیعی بدن و گداختگی در تن و سبب دق می شود.

افضل اوقات جماع زمانی است که شخص هضم اول و دوم را پشت سر گذاشته و در اثنای هضم سوم است و آن هنگامی است که غذا در معده هضم شده و دارد از معده سرازیر می شود که حدوداً سه یا چهار ساعت بعد از تناول غذا می باشد.

همچنین جماع کردن پس از اسهال و قی نمودن ضرر دارد و باید از آن اجتناب کرد.

کسی که بدنش بسیار گرم است یا زیاد احساس سرما می کند نباید جماع کند.

به طور کلی بهترین وقت جماع آن است که شخص به تجربه دریابد که در چه فاصله ای از زمان اگر جماع داشته باشد احساس سبکی و استراحت می کند و هوسش جمع تر می شود آن مدت را به ذهن بسپارد و انجام جماع را بر حسب تجربه بدست آمده تنظیم کند چرا که افراط در جماع باعث بیماریهای بسیاری چون ضعف دماغ و عصب و رعشه و تشنج و ضعف قلب و ضعف بصر و ضعف کبد و ضعف معده می گردد.

جناب رسول الله صلی الله علیه وآله می فرمایند: کراهت دارد این که مرد با زنش بیامیزد در حالی که قبل از آمیزش محتلم بوده باشد تا این که غسل کند از احتلامش، پس اگر بدون غسل آمیخت و بچه ای مجنون برای او آمد جز خود، شخص دیگری را ملامت نکند.

در روایت است که همبستر نشدن با همسر بیش از 4 روز کراهت دارد و بیش از 4 ماه، گناه محسوب می شود و طرفین باید استغفار نمایند.

از آنجا که مبداء و سرچشمه بیشتر اختلافات زن و مرد در منزل، ارضاء نشدن کامل یکی از طرفین و یا هر دو طرف است لذا زن و مرد باید سعی نمایند همواره بر تمایلات جنسی یکدیگر پاسخ مثبت داده و بر یکدیگر پشت نکنند. در روایات کثرت جماع مستحب شمرده شده و این عمل موجب محبت و الفت بیشتر بین زن و مرد می شود اما در عین حال باید توجه نمود که کثرت این عمل نباید به اندازه ای برسد که موجب ضعف قوای طرفین و یا عدم امتیاز ایشان از حیواناتی که صورت ملکه شهوت هستند گردد، حیواناتی چون خروس که صورت ملکه شهوت و شهوترانی می باشند.

در مکارم الاخلاق از حضرت امیرالمؤمنین علی وصی علیه السلام روایت است که فرمود: خوابیدن برای زن حلال نیست تا زمانی که خود را بر همسرش عرضه کند، یعنی زن لباس خود را از تن در آورد و به بستر شوهر برود و به او بچسبند.

در فروع کافی از امام محمد باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: زنی نزد پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله آمد. حضرت به آن زن فرمود: گویا تو از تسویف دهندگانی؟! پرسید: تسویف دهنده کیست؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: زنی که شوهرش او را برای حاجتی صدا کند و او همچنان شوهر را سر بگرداند تا وقت بگذرد (برای جماع) که شوهر به خواب رود. چنین زنی را ملائکه لعنت کنند تا شوهر از خواب برآید.

و نیز در فروع کافی آمده که امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله به زنان می فرمود: وقتی که همسرانتان می خواهند با شما نزدیکی کنند نماز خود را به درازا نکشید.

و نیز آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله از مردی سؤال کرد آیا صبح روزه بودی؟ گفت نه! پرسید: آیا فقیری را اطعام کردی؟ گفت: نه! حضرت فرمود: پس برگرد با همسرت نزدیکی کن که برای او مثل صدقه دادن است.

در حلیه المتقین آمده است: زنی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله آمد و شکایت کرد شوهرم به من نزدیکی نمی کند. حضرت فرمود: خود را خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید. زن گفت: هیچ بوی خوشی را نگذاشتم مگر آن که خود را به آن خوشبو کردم، اما باز هم از من دوری می کند. حضرت فرمود: اگر می دانست در آمدن به نزد تو چه ثواب هایی دارد از تو دوری نمی کرد، ثوابش همانند آن است که شمشیر کشیده و در راه خدا جهاد می کند پس چون با تو مجامعت کند گناهان از او بریزد، چنان که برگ از درخت می ریزد و چون غسل کند از گناهان خارج شود.

و در طب الائمه آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر گاه کسی را دردی در بدن به هم رسید یا حرارت بر مزاجش غالب شد با همسر خویش جماع کند تا درد تسکین یابد.

و در طب الرضا آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه گرسنه و تشنه شدی بخور و بنوش و اگر خوابت آمد بخواب و چون بول داشتی بول کن و هر گاه خواستی نزدیکی کنی پس انجام بده، به درستی که هر امری در همان وقت برای بدن بهتر و مفیدتر است.

و در فروع کافی آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی نیست که ملائکه را حاضر کند مگر آن که مرد با حرص و ولع با همسر خویش بازی و خوش طبعی نماید.

و در خصال صدوق آمده که امیرالمؤمنین علیّی وصی علیه السلام می فرماید: چون یکی از شما خواست با همسر خویش آمیزش کند از شتاب کردن در این کار پرهیز نماید که زنان نیز نیازهایی دارند.

و در فروع کافی آمده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: چون کسی می خواهد با زن خود جماع کند به روش پرندگان و مرغان به نزد او نرود بلکه در ابتدا با او بازی و خوش طبعی کند سپس جماع نماید.

بر همین اساس جناب سید نعمه الله جزائری در کتاب شیرین « زهرالربیع » روایتی از جناب امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در آداب جماع نقل نموده و فرموده است:

و عنه علیه السلام الأمر قبل الوقاع بالمداعبه و التقبیل و تغمیز الثديین لانّ ماء المرأة یخرج من ثدیّیها و شهوتها فی وجهها فالتقبیل طلباً للشهوة، حتی ترید هی منک ما تریده أنت منها، و أما تغمیز الثديین فطلباً لنزول مائها حتی یتخلّق الولد من المائین لانّ البنّت اذا تخلّقت من ماء الرجل وحده تكون سلیطه تشبه الرجال بالاوصاف و قلّة الحیاء و کان العرب اذا أرادوا تشبه الاولاد بهم عمدوا الی مواقعه النساء وقت الرّحیل لكثرة مشاغل نساءهم فلا یردن ذلك الامر و الرجال تشتهیه فیكون الولد یشبه أباه

یعنی از امام هشتم روایت است که قبل از جماع، بازی و خوش طبعی کردن با زن و نیز بوسیدن و مالیدن پستانهای او مستحب است چرا که بدین وسیله آب زن از پستانهای زن خارج شده و شهوت در صورتش آشکار و نمایان می شود پس بوسیدن به جهت طلب شهوت نمودن است یعنی تا زن اراده کند از مرد آنچه را که مرد از او اراده کرده است. و اما مالیدن پستان به جهت طلب نازل شدن آب زن است تا بدین طریق فرزند از آب زن و مرد متولد شود زیرا زمانیکه دختر فقط از آب مرد متولد می شود سلیطه بار آمده و در اوصاف شباهت به مردان پیدا کرده و کم حیا می شود. و عرب بر این رسم بود که زمانی که اراده می کرد فرزندانشان شبیه ایشان شود عمداً جماع با زنان را به وقت کوچ کردن قرار می داد چرا که در این زمان زنان مشغله بسیاری داشته و لذا اراده مواقعه نمی نمودند و فقط مردان به جماع اشتها داشتند، پس فرزند شبیه پدرش می شد.

در آخر مطلبی را خدمت زوجهای جوان تقدیم می داریم

و آن این که اگر اعمال زناشویی ایشان ثمره ای نداد و منجر به حاملگی و تولد فرزند نشد ناامید نشوند و خود را به دست پزشکانی که با تجویز قرص و کپسول و آمپول در پی معالجه اند و ادعا می کنند با خوردن این قرصهای شیمیایی جماع نتیجه داده و زن حامله می شود نسپارند زیرا این مواد شیمیایی نه تنها کار را درست نمی کنند بلکه این صنع الهی اعنی زهدان زن را نابود می کنند و زنی را که چه بسا ممکن بود بعدها به روال عادی حامله شود، عقیم کنند. زیرا بسیاری از فرجها به گونه ای است که سالیانی پس از ازدواج و همبستری زن و مرد نتیجه داده و منجر به حاملگی می شود و حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت زکریای نبی علیه السلام دو نمونه خوب و کاملی برای اثبات این مدعا هستند که هر دو بزرگوار در سنین پیری صاحب فرزند شدند.

هیچ زن و مردی به طور طبیعی عقیم نیستند مگر این که حاوی یکی از این دو نشانه باشند؛ یکی آن که زن عادت ماهانه نشود و دیگر این که عانه زن و مرد بی مو باشد. فقط در این دو صورت زن یا مرد عقیم می شوند و راهی برای

بچه دار شدن آنها نمی ماند و غیر از این دو دسته، هر زن و مردی ممکن است حتی پس از گذشتن سالها از ابتدای ازدواجشان بچه دار شوند.

البته شیخ رئیس بوعلی سینا در قانون احتمال بچه دار شدن 4 دسته را ضعیف می شمرد؛ اولین دسته افراد مست هستند که معمولاً آب پشتِ مستان کمتر بچه می آورد. دوم پیرانی که بسیار سالخورده اند. سوم کسانی که در جماع زیاده روی می کنند. چهارم کسانی که ذکرها بیش از حد معمولی دراز است زیرا در این حالت، مسافت راهی که آب پشت طی می کند دورتر می شود و در این مسافت زیاد سرد می شود و از حرارت طبیعی اش کاسته می شود به طوری که تا به زهدان در می آید بیشتر بهره رسانی اش را از دست داده، از این رو اکثراً جماع این دسته مثمر ثمر نیست و بچه نمی آورد.

فقط باید توجه داشت که برای انعقاد نطفه و حصول فرزند باید مدتی از دخول کردن و همبستری با زن پرهیز نمود تا در این مدت رحم زن کاملاً تشنه نطفه مرد گردد و در وقت دخول و انزال، آن را کاملاً به خود جذب نماید. زیرا در بسیاری از مواردی که نکاح حقیقی یعنی همبستری زن و مرد نتیجه نمی دهد و منجر به حاملگی نمی شود بدین خاطر است که دخول زیاد و پشت سر هم صورت می گیرد.

تکرر این عمل باعث شده که رحم گشاد شده و میل آنچنانی به قبول نطفه مرد نداشته باشد لذا برای نتیجه گیری از این عمل، نیکو است که مثلاً چند روز قبل از عادت ماهانه زن، این عمل ترک شود تا هنگامی که زن از خون پاک شود و بعد از پاک شدن بهترین وقت است برای دخول و انعقاد نطفه، تا جایی که فرزندی که در چنین ایامی متولد می شوند نسبت به دیگر افراد از نشاط و طراوت خاصی برخوردار هستند.

و نیز توجه به این نکات در امر بچه دار شدن مهم به نظر می رسد:

1- از عزیزان دختران و مادران عزیز استدعا می شود که از خوردن سبزی آمزنا (گشنیز) و سبزی شاهی (ترتیزک) به شدت خودداری کنند.

2- از خوردن آبی که یخ در آن محلول می شود خودداری نمایند و وقتی باردار شدند هرگز از یخ خوردن برخوردار نباشند که بچه ها را فلج می کند و منجر به سزارین می گردد.

3- از خوردن ترشی نارنج خودداری نمایند.

4- زنانی که سقط جنین دارند علاوه از مراعات موارد فوق از تکرر جماع با شوهر نیز پرهیز کنند و اطلاع دهند تا با دستوری خصوصی از سقط جنین جلوگیری شود.

6- زنان باردار در طول بارداری سوره مبارکه یوسف و سوره مبارکه مریم را تلاوت کنند.

7- اموری که در نقل و روایات منقوله مطرح شد را جدی بگیرند و برای بچه دار شدن حتماً مراعات کنند و اگر در غیر بچه داری، نیاز به لقاح پیدا کردند مردها می توانند نطفه را در بیرون رحم بریزند و عمل لقاح در اوقات نامناسب انجام دهند که بهترین راه جلوگیری از بچه دار شدن، منی را در بیرون رحم ریختن است نه قرص خوردن و عمل عقیم کردن مرد یا زن، زیرا عقیم کردن مرد یا زن حرام می باشد.

8- از تقلیل فرزند پرهیز کنید یعنی دختران جوانی که تازه ازدواج می کنند حتماً چند تا بچه دار شوند که تقلیل نسل شیعه ظلم عظیم به پیامبر و آل پیامبرعلیهم السلام است به خصوص عزیزانی که سید هستند در صورت امکان بچه ها را زیاد کنند که نسل فاطمه زهرا سلام الله علیها فراوان گردد و شعار فرزند کمتر، آسایش بیشتر را یک ظلم آشکار به اهل بیت علیهم السلام بدانند مگر جایی که زنان نتوانند بچه دار شوند از روی عذر جسمی یا روحی.

9- از خوردن قرص و کپسول خودداری کنند و حتی المقدور تن به سزارین در حین زایمان ندهند که به امر الهی فرزند وقتی زمان تولد آن فرا برسد درد زایمان می گیرد و این درد به نفع کودک و به خصوص مادر است و برکات جسمی و روحی آن فراوان است که پی بردن به همه اسرار آن از عهده عقل عادی بشر بیرون است.

10- زنان و مردانی که رحم یا نطفه ضعیفی دارند برای تقویت آن سبزی تره زیاد بخورند و نیز پیاز مصرف نمایند و سبزی تره برای تقویت اعصاب کل بدن به خصوص اعصاب رحم زن بسیار مناسب است.

11- بعد از هر واقعه زن و مرد برای پاک کردن عورت خود از یک پارچه استفاده نکنند بلکه هر یک پارچه ای جداگانه مصرف نمایند که یک پارچه موجب دشمنی بین زن و مرد می شود و شاید بسیاری از اختلافات زن و شوهرها زیر سر همین نکته باشد که بدان توجه ندارند.

12- بعد از هر واقعه ای زن حداقل تا دو ساعت عورت خود را نشوید (و مردها هم همین طور باشند) تا رحم زن تازه بماند.

13- هر مریضی و نقص خلقت که در فرزندان پدید می آید از پدر و مادر است که به قوانین طبیعت و الهی توجه ندارند و بعد می گویند که فلان فرزند را خدا این گونه ناقص کرد در حالی که نمی دانند که همه خوبیها مال اوست و هیچ شری به او بر نمی گردد « و الخیر بیدیک و الشر لیس الیک » و این ما و شما هستیم که با مراعات نکردن قوانین الهی و قوانین مجعوله در خلقت این گرفتاریها را به بار می آوریم سپس آن را به گردن خدا و عالم می اندازیم در حالی که او خودش را در خصوص خلقت انسان به (احسن الخالقین) ستوده است. پس شر از ما هست و همه خیر مال اوست و از نکو جز نکوئی ناید.

14- با توجه به اصل قبل که همه خیر از اوست و شر از ماست توجه به آیه مبارکه (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ) امر ضروری است و مردها باید توجه کنند که زنان کشتزارند و خداوند این زمین کشاورزی را به آنها داده تا طبق قوانین و مقررات در آن کشت کنند و نتایج حاصل از آن را فرزندان سالم و متدین و موحد قرار دهند. همان گونه که یک کشاورز زمین کشاورزی را بی حساب و کتاب کشت نمی کند و همه ضوابط زمانی و مکانی و دهها شرایط دیگر را در نظر می گیرد، در

این زمین زراعی یعنی کارخانه رحم زن هم باید زحمت بکشد و در آن به قوانین طبیعی و الهی کشت کند تا فرزندان نیکو بدست آورد.

15- در امور ازدواج و نکاح و لقاح باید فرمایش معصومین علیهم السلام را ملاک قرار دهیم زیرا که استنباط تشریحات از دل تکوینیات از خصائص انسان کامل و صاحبان نفوس مکتفی معصومین علیهم السلام است لذا در روایات منقوله می بینید که به چه لطایفی اشاره فرمودند که عقل ما از فهم اسرار آن عاجز و ناتوان است مثلاً بشر از کجا می خواست بفهمد که اگر مردی نطفه را از عقب و پشت وارد رحم زن کند بچه لوچ می شود. یا اگر زن و مرد بعد از لقاح برای پاک کرد عورت خود از یک پارچه استفاده نمایند موجب دشمنی و اختلاف بین آنها می شود و هزاران احکام تشریحی دیگر که از دل تکوینیات بیان نمودند که ما را یارای فهم اسرار آنها نیست پس باید میزان را حرف و کلام معصوم قرار داد.

16- از همه مردها و زنها استدعا می شود که به قانون طبیعت تن در دهند و اینقدر با صنعت از طبیعت فاصله نگیرند زیرا صنعت از فهم قاصر بشری سرچشمه می گیرد ولی طبیعت از علم ذاتی غیبی و احدی ذات لم یزلی برمی خیزد لذا به تعبیر مولی و سرورم حضرت علامه عصر و معلّم دوران حسن زاده آملی روحی فداه به طبیعیات و قوانین الهی رو آورید و بدان تن در بدهید، همه این نقائص

رفع می شود. حقاً که چنین است و پدر و مادرها با فاصله گرفتن از طبیعیات این همه گرفتاریها را پدید آوردند و آنگاه به گردن خدا می اندازند مثلاً بچه را با بدی خود لوچ بار می آورند بعد می گویند خدا کرده است در حالی که فرق بین ایجاد و اسناد را نمی دانند و نیز نمی دانند که خدای احسن الخالقین و خدای خیر محض هرگز شرّ نمی دهد و نباید با دست خود شرّ درست کرد.

17- از روحانیون عزیز که مبلغین دین مردمند استدعا می شود که در امور غذایی و طب و ازدواج و امور علمی و روایی آن درست بررسی نمایند و در منابر آنها را برای مردم بیان کنند که مساجد و حسینیه ها کلاس اکابر است و در این کلاسها مردم باید خوب ساخته شوند و بسیاری از گرفتاریهای مردم بر اساس ندانستن آنها است و این هم زیر سر منبری های حرف نشنیده خوب تحصیل نکرده است که به صرف چند جمله موعظه اکتفا می کنند در حالی که منبرها باید از لطایف علمی و دقایق دینی برخوردار باشد.